توسعه محلی
(روستایی-شهری)
https://jrd.ut.ac.ir

دورهٔ هفتم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۷۹-۱۰۲

بررسی کارکرد فضاهای عمومی شهری و نقش آن در توسعهٔ پایدار اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بوکان)

علی موحد [۱]، نوید آهنگری*[۲] و فرشته حسینی [۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹

چکیده

امروزه فضاهای عمومی می‌توانند شکل‌دهندهٔ تعاملات و مناسبات اجتماعی باشند و زمینهٔ دستیابی به توسعهٔ پایدار اجتماعی در شهرها را فراهم کنند. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که کارکرد فضاهای عمومی شهری با توجه به ابعاد و شاخص‌های آن چگونه است؟ و تأثیرگذاری آن بر فرایند توسعهٔ پایدار اجتماعی در شهر بوکان به چه صورت است؟ پژوهش از نوع پژوهش‌های شناختی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. داده‌ها به روش مطالعات پیمایشی(پرسشنامه) جمع‌آوری شده است. جامعهٔ آماری پژوهش، جمعیت شهر بوکان و نمونهٔ آماری آن ۴۰۰ نفر است که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از آمارهای توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون و همبستگی جزیی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ارزیابی متغیرهای فضاهای عمومی شهری ۶۹٪ و توسعهٔ پایدار اجتماعی ۵۷/۸٪، دارای کارکرد متوسطی‌اند. رابطهٔ بین متغیر عملکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار و شدت همبستگی ضعیف است؛ بنابراین ایجاد و تقویت کارکرد فضاهای عمومی در شهر بوکان می‌تواند به ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی منجر شود و زمینهٔ توسعهٔ پایدار اجتماعی را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: توسعهٔ پایدار اجتماعی، شهر بوکان، فضاهای عمومی شهری، کارکرد.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی. Movahed@khu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی (نویسندهٔ مسئول). Ahangari.sh@gmail.com
۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی. F.hoseini63@ yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

امروزه بیشتر جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند، لذا اگر رشد شهرنشینی به همین روال ادامه یابد، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ دوسوم جمعیت جهان در شهرها ساکن و جمعیت شهرنشین جهان نسبت به زمان حاضر سه‌برابر خواهد شد (لودریتز[1] و همکاران، ۲۰۱۳: ۴۰۲). به این ترتیب بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه نیز در ۲۰ سال آینده از نظر تعداد دو برابر خواهند شد و هر ساله بیش از ۴۰ میلیون نفر به جمعیت آنها اضافه خواهد شد. از این رو، قرن ۲۱، بدون شک قرن توسعهٔ شهری خواهد بود (برنامهٔ اسکان بشر سازمان ملل متحد[2]، ۲۰۱۲: ۱۱). این رشد سریع شهرنشینی در دهه‌های اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه، باعث تغییر در ساختار سکونتگاه‌های انسانی از قبیل ایجاد تغییرات اجتماعی، شده است (اعظمی و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۵۹)؛ بنابراین با این روند رو به رشد شهرنشینی و سرعت بالای تغییرات، آنچه بیش از هر چیز در معرض تهدید قرار دارد، منظر شهری است که نمود بحران آن در طراحی شهری، مدیریت و برنامه‌ریزی بصری فضاهای عمومی شهر قابل مشاهده است (کیانی و سالاری سردری، ۱۳۹۰: ۲۸).

فضاهای عمومی شهری از عناصر مهم شهرهای مدرن‌اند. این فضاها در عرصه‌های مختلف زندگی بشر، نقش حیاتی بازی می‌کنند (کورنیاتی[3]، ۲۰۱۴: ۵۰۷). از این رو تخصیص و استفادهٔ بهینه از این فضاها، مسئلهٔ اساسی است که باید در بررسی زندگی مردم ساکن در شهرها به آن توجه شود (گارسیا رامون[4] و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۱۵).

استفاده از فضاهای عمومی شهری، تجربه‌ای است که برای تمامی افراد یکسان نیست و متغیرهایی نظیر سن، جنس، گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی- نژادی بر چگونگی درک زندگی شهری اثرگذارند (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۲۲۸). نقش این عوامل همگی تأثیر شهر بر انسان است که دست‌یافتن به آن مستلزم شناخت و درک چگونگی تأثیر فضای عمومی زندگی شهری بر شبکه‌های روابط اجتماعی افراد است (فتحی، ۱۳۹۱: ۴۸). در این زمینه، بسیاری از مطالعات تأیید کرده‌اند که ساکنان نواحی شهری به تطبیق محل سکونت خود با مناطق دارای فضاهای عمومی شهری، گرایش دارند (جیمز[5] و همکاران، ۲۰۰۹: ۶۶)؛ بنابراین ویژگی‌های

1. Luederitz
2. UN-HABITAT
3. Kurniaty
4. Garcia-Ramon
5. James

طراحی فضای عمومی شهری، عامل مهم ترویج فعالیت‌های اجتماعی در جامعهٔ شهری است. این روابط اجتماعی قوی در جامعهٔ شهری می‌تواند موجب ایجاد محیطی شود که با ارتباط، معنا و هدف همراه است و زمینهٔ توسعهٔ پایدار اجتماعی را نیز ایجاد کند (آبادا[1] و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۰۰۵).

اهمیت نقش فضاهای عمومی در توسعهٔ پایدار اجتماعی را می‌توان از این نظر مهم دانست که امروزه، جوامع بشری به سبب رشد و توسعهٔ کمی و کیفی روزافزون که به پدیدآمدن شهرهای بزرگ و پرجمعیت منجر شده، با مسائل تازه‌ای مواجه‌اند؛ فراوانی و تراکم نامتجانس و ناهمگون شهرها، فاصلهٔ اجتماعی بین انسان‌ها را به‌رغم نزدیکی فیزیکی، روز به روز بیشتر کرده و به همراه آن میزان همبستگی، ارتباط و توجه افراد نسبت به یکدیگر کاهش یافته است (فتحی، ۱۳۹۱: ۴۱). از این رو نیاز انسان به روابط اجتماعی او را به فضاهایی برای تبادل افکار و اندیشه‌ها نیازمند کرده است؛ از این نظر فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی‌اند که به توسعهٔ پایدار اجتماعی منجر می‌شوند. لذا، کمیت و کیفیت بناها و فضاهای عمومی شهر که گاه از آنها با عنوان ساختمان‌های مدنی یا شهری یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی توانایی شهر در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی شهروندان به‌شمار می‌رود (پورمحمدی و کوشانه، ۱۳۹۲: ۳۸)؛ بنابراین، امروزه در برنامه‌های توسعهٔ شهری، فضاهای عمومی، ضرورتی اساسی یافته‌اند که این امر حکایت از نقش این فضاها در تقویت وجههٔ فرهنگی- اجتماعی شهر دارد. به عبارتی، فضاهای شهری به عنوان جزیی از یک شهر، عرصهٔ عمومی و تجلی‌گاه فعالیت‌های شهری قلمداد می‌شوند (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸: ۲۲۷).

در حال حاضر، برنامه‌های توسعهٔ شهری در ایران در گسستی عمیق با سنت گذشتهٔ خود، خودرومدار و بر مبنای تسهیل هر چه بیشتر حرکت سواره بوده و آنچنان که باید به فضاهای عمومی شهرها و ایجاد سرزندگی و پویایی شهری و ارتقای کیفیت‌های محیطی توجه نشده است (راستبین و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶)؛ بنابراین، در بسیاری از شهرهای کشور، مکان‌های عمومی غالباً به نیاز انسان به عنوان یک موجود اجتماعی به درستی پاسخ نداده و مردم تنها به فضاهای شهری به عنوان مسیری برای عبور و مرور نگاه می‌کنند؛ این فضاها به جای آنکه مردم را به حضور و برقراری ارتباطات اجتماعی دعوت کنند، آنها را به دوری از هم تشویق می‌کنند و دیگر تجربهٔ برخورد با دیگران، حس تعلق اجتماعی، دیدارهای چهره به

1. Abada

چهره، تعاملات اجتماعی و تجربهٔ دیدن و دیده‌شدن، به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، به درستی درک نمی‌شود که نتایج آن عدم استفادهٔ مردم از فضاهای عمومی شهری است. تحقیق و پژوهش در فضاهای عمومی شهر بوکان که جمعیت شهری آن، به دلیل مهاجرت‌های بی‌رویه به سرعت در حال افزایش است و همچنین مشکلاتی نظیر بی‌توجهی به فضای عمومی، برنامه‌ریزی‌های نادرست، فضاهای جدید با کیفیت پایین و ویژگی‌هایی چون تنوع فرهنگی و تراکم جمعیتی دارد، بسیار ضروری است؛ بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد کارکرد فضاهای عمومی شهری (اماکن تجاری، خیابان‌های عمومی، اماکن ورزشی، بوستان‌ها و پارک‌ها، پاتوق‌های محله‌ای، مکان‌های مذهبی) را ارزیابی و نقش آن را در توسعهٔ پایدار اجتماعی شهر بوکان بررسی کند تا بتواند به پرسش اصلی پاسخ دهد که کارکرد فضاهای عمومی شهری با توجه به ابعاد و شاخص‌های آن چگونه است؟ و تأثیرگذاری آن بر فرایند توسعهٔ پایدار اجتماعی در شهر بوکان به چه صورتی است؟

پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ نقش فضاهای عمومی در توسعهٔ پایدار اجتماعی مطالعات بسیار کمی در داخل و خارج نوشته شده است. بیشتر مطالعات به منظور سنجش وضعیت فضاهای عمومی، صورت گرفته است؛ اما با وجود این در ادامه به مهم‌ترین مطالعات تجربی مرتبط با پژوهش حاضر پرداخته می‌شود: وان اسماعیل و سعید[1] (۲۰۱۵)، در پژوهش خود نشان دادند که مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری می‌تواند حس دل‌بستگی نسبت به اجتماع ایجاد کند که در نهایت به عملکرد بهتر فضاهای عمومی شهر منجر شده و زمینهٔ توانمندسازی، برابری و اعتماد شهروندان را فراهم خواهد کرد. دلیانور ناسوشن و زهرا[2] (۲۰۱۴) نشان دادند نقش سلامت در فضاهای عمومی مهم‌ترین عاملی است که کیفیت زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین بین نقش فضای عمومی و ابعاد جسمی کیفیت زندگی رابطهٔ معنادار وجود دارد. پرویچ و فولیچ[3] (۲۰۱۲)، با بررسی عملکرد اجتماعی فضاهای عمومی شهری، مهم‌ترین مشخصهٔ آن را امنیت، در دسترس‌بودن، سازماندهی منظم، آرامش، وجود محل ملاقات و امکان پیاده‌روی دانسته و بدترین مشخصهٔ آن را عدم جذابیت، نبود زیبایی بصری و

1. Wan Ismail and said
2. Delianur and Zahrah
3. Perovic and Folic

اختلال در دید، تعیین کرده‌اند. در مطالعهٔ جلال‌الدینی و اوکتای[1] (۲۰۱۲)، مهم‌ترین عملکرد فضاهای عمومی به لحاظ اجتماعی، پیاده‌روی و ارزش گردشگری است که باعث نشاط و جنب‌وجوش می‌شود. از نظر تورل[2] و همکاران (۲۰۰۷)، مهم‌ترین مشکلات فضاهای عمومی شهری به ترتیب نبود امکان پیاده‌روی، آلودگی، ایمنی، نارسایی تعمیرات و نگهداری، ترافیک و مشکلات اجتماعی و فرهنگی بوده است. تحقیق امینی و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان می‌دهد که میان برقراری تعاملات اجتماعی، میزان دسترسی‌پذیری به فضا و خصوصیات شخصی شهروندان و افزایش کیفیت فضاهای عمومی شهری رابطهٔ معناداری وجود دارد. جاجرمی و ترشیزیان (۱۳۹۲) مشخص کردند که فضاهای عمومی شهری به چند دلیل از جمله نقایص مدیریتی، نتوانسته‌اند نقش بایستهٔ خود را به عنوان فضایی برای تعاملات اجتماعی ایفا کنند. در مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار فضاهای عمومی شهری بر روابط اجتماعی، گروه‌ها، همگانی‌بودن، مشارکتی‌بودن و دیدارگاه بودن ذکر شده است. فتحی (۱۳۹۱) به این نتیجه دست یافت که فضای عمومی شهری مدرن با گذر زمان بر شبکهٔ روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و روابط اجتماعی پایدار محصول فضای شهری پایدار است. در نهایت رفیعیان و خدایی (۱۳۸۸) در پژوهش خود بیان کرده‌اند که سه متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی از اثرگذارترین عوامل رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری‌اند.

چارچوب نظری

مفهوم فضاهای عمومی شهری: فضاهای عمومی شهری از زمان مدیریت اگورا در یونان و انجمن روم، برای قرن‌های متوالی در کانون توجه برنامه‌ریزان شهری بوده است؛ اما به دلایل خاص برنامه‌ریزی شهری در دوران توسعهٔ شهرسازی مدرن، به فضاهای عمومی شهری کمتر توجه شد. در این دوران بسیاری از فضاهای باز عمومی یا نادیده گرفته می‌شدند، یا عملکرد خود را از دست می‌دادند یا با تغییر چشم‌انداز مواجه می‌شدند (پروویچ و فولیک، ۲۰۱۲: ۹۲۲). اخیراً، فضای عمومی با هدف حرکت به سمت محیط سالم شهری به کانون تمرکز جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان، دانشمندان علوم سیاسی و طراحان شهری تبدیل شده است

1. Jalaladdini and Oktay
2. Turel

(جلال‌الدینی و اوکتای، ۲۰۱۴: ۶۶۴). از این رو فضاهای عمومی، فضاهای اجتماعی نظیر میدان‌های شهری، پلازاها، پارک‌ها و خیابان‌ها محسوب می‌شوند که باز بوده و دسترسی به آنها، برای تمامی افراد، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، سن و سطوح اقتصادی‌شان و بدون هیچ‌گونه مشکلی فراهم باشد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱).

رهنمایی و اشرفی (۱۳۸۶) فضاهای عمومی را آن دسته از فضاها تعریف می‌کنند که عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و ... حق ورود و حضور در آنان را دارند. فضاهایی چون خیابان‌ها، پارک‌ها، میادین، بازارها و مساجد به واسطهٔ مقیاس عملکردی و طیف متنوع و گستردهٔ مخاطبان خود در حیات جمعی شهروندان سهم دارند. از این رو ارتقای کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعهٔ شهری سالم و شکوفا خواهد شد. تورل و همکاران (۲۰۰۷) فضاهای عمومی را مکان‌هایی می‌دانند که در آن الزامات خصوصی و عمومی ظاهر می‌شوند؛ بنابراین در تمام زندگی اجتماعی تعادلی پویا بین فعالیت‌های عمومی و خصوصی وجود دارد. والرز[1] (۱۹۸۶)، فضاهای عمومی را به عنوان فضاهای اندیشیدن تعریف کرده است، زیرا برای استفاده‌های گوناگون، از جمله کاربردهای پیش‌بینی‌شده و پیش‌بینی‌نشده، طراحی شده‌اند. لیپتون[2] (۲۰۰۳)، فضاهای عمومی را به عنوان اتاق زندگی در هوای آزاد و کانون تفریح و فراغت خارج از خانه‌های مسکونی تعریف می‌کند. وولی[3] (۲۰۰۳)، معتقد است از لحاظ فیزیکی، فضاهای عمومی به مثابهٔ دستگاه‌های تولیدی شهری، قطعات و کانال‌های ارتباطی همراه با ارزش‌های زیست محیطی، مورفولوژی و زیباشناسی مطرح‌اند. صاحب‌نظران به مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت مطلوب فضاهای عمومی شهری اشاره کرده‌اند (جدول ۱). این شاخص‌ها مستقیم و غیر مستقیم بر نگرش و رفتار اجتماعی شهروندان در عرصهٔ زندگی شهری تأثیرگذار خواهند بود.

1. Walzer
2. Lipton
3. Woolley

جدول ۱. شاخص‌های فضای عمومی شهری بر مبنای مطالعات موجود

نظریه‌پرداز	سال	معیارهای مورد نظر در فضاهای عمومی شهری.
جین جکوبز	۱۹۶۱	نظم فعالیت‌ها بر نظم بصری، کاربری مختلط، نفوذپذیری، امکان نظارت و مراقبت، تنوع و غنای فعالیت‌ها، توجه به خیابان، امکان اختلاط اجتماعی، غنای فعالیت‌ها، انعطاف‌پذیری.
کوین لینچ	۱۹۸۱	سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی، عدالت، سرزندگی (اجتماعی)، معنی، سرزندگی (بیولوژیک).
ویولیچ	۱۹۸۳	قرائت پذیری محیط، آزادی انتخاب، فرم‌های شهری متباین، امکان زندگی اجتماعی، به گوش رسیدن آوای گذشته، توجه به پیوندهای بومی- منطقه‌ای.
یان بنتلی	۱۹۸۵	نفوذپذیری، تنوع، انعطاف‌پذیری، نفوذپذیری، تنوع (فرم)، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری بصری، غنا، امکان شخصی‌سازی، کارایی از نظر مصرف انرژی.
راجرترانسیک	۱۹۸۶	حفظ تسلسل حرکت (ارتباطات)، محصوریت فضاها، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورهای دید و پرسپکتیو، امتزاج فضای درون و بیرون.
گرین	۱۹۹۲	دسترسی و ارتباط، تنوع کاربری‌های، امنیت، انسجام، وضوح، پیوستگی، هویت شامل وحدت، شخصیت، جذابیت شامل مقیاس، تناسب بصری- عملکردی، سرزندگی.
هاتن و هانتر	۱۹۹۴	دموکراسی، نفوذپذیری، امنیت، اقتصاد و ابزار آن، مشورت و مشارکت استفاده‌کنندگان، انعطاف‌پذیری.
پانتر و کارمونا	۱۹۹۷	کاربری زمین، جریان حرکت پیاده، الگوهای رفتاری، جریان حرکت سواره، نفوذپذیری، ادراک همگانی، ارزیابی‌های کیفی، عملکردها، تداعی معانی، خوانایی، منظر عینی، فرم مصنوع.
ساوت ورث	۱۹۸۹	ساختار، خوانایی، فرم، حس مکان، هویت، دید و منظر، مقیاس انسانی (پیاده).
پاکزاد	۱۳۸۶	ایمنی سرزندگی فضا، انعطاف‌پذیری.
حبیبی	۱۳۷۸	تنوع، ایمنی و امنیت، سازگاری، نقش اجتماعی، تمایز و شخصیت، خوانایی، تداوم، تباین فضایی، نقاط عطف، مکان‌های مکث، مقیاس انسانی، انعطاف‌پذیری، شرایط آب و هوایی.

مأخذ: نگارندگان

سیر تاریخی فضاهای عمومی: بررسی سیر تاریخی فضاهای عمومی نشان می‌دهد که نخستین فضاهای عمومی شهر، بناهای یادمانی و عام‌المنفعه‌ای همچون معبد چاتال هیوک در آناتولی‌اند که پیشینهٔ آنها کهن‌تر از آغاز شهرنشینی است. همچن میدان به عنوان نقطهٔ عطف فضاهای عمومی شهری، از یونان باستان تا قرن بیستم، محل وقوع مهم‌ترین و مردمی‌ترین رویدادهای جمعی شهروند اروپایی بوده است. این فضاهای عمومی که در یونان باگورا و در روم فوروم خوانده می‌شد، قلب تپندهٔ شهرهای اروپایی و محل گردهمایی و تعامل اجتماعی بودند (مدنی‌پور، ۲۰۰۳: ۱۹۷). به دنبال وقوع انقلاب صنعتی و به ویژه از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی، در فضای عمومی بسیاری از شهرهای بزرگ اروپایی تغییرات عمده‌ای ایجاد شد. نواحی متمایز تجاری توسعه پیدا کردند. مرکزیت بازارها و میادین برای حضور و تجمع شهروندان به خیابان‌ها و بلوارها انتقال پیدا کرد. احداث فروشگاه‌های بزرگ، ایستگاه‌های راه‌آهن، سالن‌های نمایشگاهی، کارخانه‌های بزرگ و ... تحولات فضایی و مکانی شهرها را تشدید کردند (پورمحمدی وکوشانه، ۱۳۹۲: ۴۰)؛ اما آنچه امروز این فضاها را جدی‌تر ساخته، حضور بیش‌تر آنهاست؛ یعنی شهروند کنونی نسبت به پیشینیان نیاز بیشتری به این فضاها دارد

(حسام، ۱۳۸۰: ۱۴) زیرا با افزایش سطح رفاه اجتماعی و توسعهٔ تأسیسات و تجهیزات شهری که بیشتر نیاز مادی یا فیزیکی مردم را مرتفع می‌سازند، حس نیاز به فضاهای عمومی برای تبادل و دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها و افکار، تقابل رفتار و عمل و حتی به عرصه‌درآوردن عواطف و احساسات انسانی بیش از پیش نمایان شده است (صالحی، ۱۳۸۰: ۲۱).

گونه‌های فضاهای شهری: فضاهای عمومی خارجی شامل قطعاتی است که در بین ساختمان‌های خصوصی قرار می‌گیرند نظیر خیابان‌ها، میادین، پارک‌ها، بزرگراه‌ها، پارکینگ‌ها، فضاهای کناره رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و کنار سواحل. فضاهای عمومی داخلی مانند مؤسسات عمومی نظیر کتابخانه‌ها، موزه‌ها، تالارهای شهری و ساختمان‌های مربوط به حمل و نقل عمومی نظیر ایستگاه‌های قطار و اتوبوس و فرودگاه‌ها. پاره‌ای از فضاهای به لحاظ قانونی خصوصی نظیر پردیس‌های دانشگاهی، زمین‌های ورزش، رستوران‌ها، سینماها و مراکز خرید را می‌توان بخشی از عرصهٔ عمومی تلقی کرد. در تقسیم‌بندی دیگر می‌توان فضاهای عمومی شهری را به صورت فضاهای سخت و نرم نشان داد. فضاهای سخت که اصولاً با دیوارهای ساختمان‌های اطراف احاطه شده است و فضاهای نرم مانند پارک‌ها و مسیرهای طبیعی و سبز که محصوریت و مرزهای مشخصی ندارند و تحت غلبهٔ محیط طبیعی پیرامون‌اند (پورمحمدی و کوشانه، ۱۳۹۲: ۴۵).

مفهوم توسعهٔ پایدار اجتماعی: امروزه بعد از دو دهه از آغاز بحث‌های توسعهٔ پایدار، عقیده بر این است که از بعد انسانی پایداری غفلت شده و بر ابعاد محیطی توسعهٔ و رشد اقتصادی تمرکز شده است. عدم موفقیت و شکست‌های وسیع و گستردهٔ این رویکرد، به ایجاد تغییری معنادار و تجدید مفهوم پایداری اجتماعی و دیگر جنبه‌های مربوط و وابسته با آن منجر شده است (والانس[1] و همکاران، ۲۰۱۱: ۳۴۲). مفهوم توسعهٔ پایدار اجتماعی، به جهت‌گیری جامعه/ نهاد به سوی وضعیتی مطلوب اشاره دارد که از طریق فرایند برنامه‌ریزی‌شده مشخص شده است (زفیر[2]، ۲۰۰۷: ۱۷۵). مورفی[3] (۲۰۱۲)، در تعاریف خود از پایداری اجتماعی به چهار رکن اصلی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: عدالت، مشارکت، آگاهی برای پایداری و همبستگی اجتماعی. همچنین غفاری و امیدی (۱۳۸۸)، معتقدند همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی- اقتصادی، ادغام و توانمندسازی اجتماعی، مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعهٔ پایدار

1. Vallance
2. Zamfir
3. Murphy

اجتماعی به شمار می‌روند. از طرفی پایداری اجتماعی همان کیفیت جوامع و ماهیت روابط اجتماعی و به نوعی نشان‌دهندهٔ روابط درونی جامعه است. طبق نظریهٔ گلاوسون و وود[1] (۲۰۰۹)، مفهوم پایداری اجتماعی در چند سال گذشته به سمت مباحثی چون شبکه‌های اجتماعی، مشارکت، حس هویت مکان و امنیت در جامعه سوق پیدا کرده است. مک و پیکوک[2] (۲۰۱۱)، بیان کردند که هدف اصلی توسعهٔ پایدار اجتماعی این است که نسل‌های آینده، نسبت به نسل کنونی دسترسی یکسان و یا بیشتری به منابع اجتماعی داشته باشند. در کل توسعهٔ پایدار اجتماعی به صورت رویکردی کل‌گرایانه مطرح بوده و فرآیندی است که متضمن کوشش‌های معطوف به بهبود زندگی، مشارکت افراد در متن توسعهٔ اجتماعی و مؤلفه‌هایی اساسی برای بهبود کیفیت زندگی است.

نظریه‌های مرتبط با نقش فضاهای عمومی در توسعهٔ پایدار اجتماعی: فضای عمومی شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست، بلکه کنش تعاملات شهروندی و فعالیت‌های شهری را نیز در بر می‌گیرد؛ کالبدی از شهر را مجسم می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصهٔ بروز تعاملات اجتماعی است؛ به عبارتی شرط اصلی فضاهای عمومی این است که در آنها تعامل و مراودهٔ اجتماعی صورت گیرد (راستبین و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸). با توجه به بیان فوق، در زمینهٔ نقش فضاهای عمومی شهری در توسعهٔ پایدار اجتماعی، نظریه‌های متعددی بیان شده است: جان لنگ اشاره می‌کند که در فضاهای عمومی شهری، الگوهای تعامل اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارند. لذا در صورتی که مردم، به این فضاها و محیط آنها دلبسته باشند، توسعهٔ اجتماعی پایدار، در قوی‌ترین حالت خود، به وقوع خواهد پیوست (مردمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲). جیکوبز[3] (۱۹۹۳) بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند. به باور او از یک شهر آنچه بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی شهر به ویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن است. لینچ[4] (۱۹۷۲)، معتقد است فضای عمومی شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن نوشته می‌شود و در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای از پیش تدوین‌نیافته اتفاق افتد و افراد در محیط اجتماعی جدیدی با هم ارتباط برقرار کنند. کارمونا[5] (۲۰۰۳) بر این باور است

1. Glasson and Wood
2. Mak and peacock
3. Jacobs
4. Lynch
5. Carmona

که فضاهای عمومی شهری، مکان‌ها و محیط‌های اجتماعی‌اند که به عنوان میدانی برای رفتار و نمایش عمل می‌کنند، زمینه‌ای مشترک و خنثی برای تعامل اجتماعی و مرحله‌ای برای معرفت اجتماعی، پیشرفت شخصی و تبادل اطلاعات‌اند. مدنی‌پور (۱۳۸۷) استدلال کرد که فضای شهری، فضایی مادی با ابعاد اجتماعی و روانشناختی است که شکل شهر، هندسهٔ این فضا است. حبیبی (۱۳۷۸) معتقد است فضای شهری با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (فضای ساخته‌شده از جنبهٔ کالبدی) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر) حیات مدنی را به کالبد شهر تزریق خواهد کرد. رهنمایی و اشرفی (۱۳۸۶) معتقدند که هر چند نقش فضاهای عمومی در یکپارچگی و یکدستی شهر کاملاً مشهود است، اما کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در خیابان‌ها و فضاهای باز، شرط لازم برای جامعه است، به طوری که مردم را قادر می‌سازد تا از تعاملات اجتماعی لذت ببرند. کیانی و سالاری سردری (۱۳۹۰) فضاهای عمومی شهری را مکانی برای تبادل افکار، اندیشه‌ها و شکل‌گیری روابط اجتماعی می‌داند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم‌اند. این فضاها محل تعاملات اجتماعی، تبادل اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های پایدار اجتماعی‌اند.

جدول ۲. اهداف اجتماعی در طراحی فضاهای عمومی شهری

ردیف	اهداف
۱	تقویت راه‌های ارتباطی شخصی، بصری، گفتاری و دیداری در بستر تعاملات اجتماعی.
۲	احساس تعلق خاطر به فضاهای شهری و شکل‌گیری آرامش و آسایش درونی.
۳	نقش تسهیل‌کننده و نه بازدارنده در فعالیت‌های اجتماعی شهروندی و هدایت در مسیر مطلوب و بهنجار.
۴	تقویت احساس تعلق به جامعه و کمک به شکل‌گیری توسعهٔ پایدار اجتماعی.
۵	پاسخگویی به تمام گروه‌های اجتماعی و خاصه گروه‌های آسیب‌پذیر و برابری اجتماعی فضایی.
۶	ایجاد تجربه‌های به‌یادماندنی و ارزشمند و برانگیزش حس کاوش و تعلق در فضاهای شهری.

مأخذ: حبیب و همکاران، ۱۳۹۱: ۸

از جمع‌بندی نظریه‌های مرتبط با فضای عمومی چنین برداشت می‌شود که فضای عمومی شهری بر دسترسی بدون محدودیت به فضا یا فعالیت‌های متنوع تأکید دارد که پیامد آن شکل‌گیری روابط اجتماعی است؛ بنابراین شرط اساسی برای تلقی فضای عمومی به عنوان فضای شهری این است که در آن، تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد؛ بنابراین با توجه به نظریه‌های بیان‌شده در بخش مبانی نظری، مدل مفهومی پژوهش حاضر به صورت زیر نشان داده شده است:

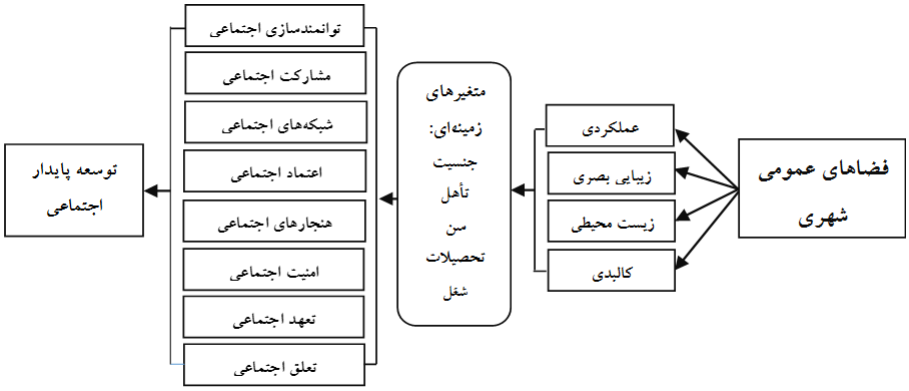

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

محدودهٔ زمانی پژوهش پاییز ۱۳۹۴ و محدودهٔ مکانی آن، شهر بوکان است. اهمیت موقعیت نسبی این شهر در استان آذربایجان غربی به مراتب بیش از موقعیت ریاضی آن است. همان گونه که در شکل ۲، نشان داده شده است، این موقعیت ممتاز به دلیل واقع‌شدن این شهر بر سر راه شهرهای مهم منطقهٔ غرب کشور مانند تبریز، زنجان، سنندج و ارومیه است.

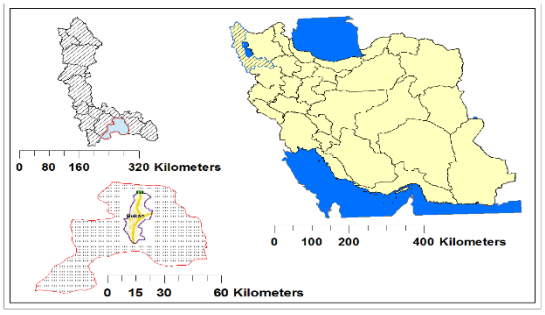

شکل ۲. نقشهٔ موقعیت جغرافیایی شهر بوکان در کشور ایران و استان آذربایجان غربی (ترسیم: نگارندگان)

نوع پژوهش حاضر، شناختی و روش پژوهش آن توصیفی- تحلیلی است؛ برای سنجش وضعیت توسعهٔ پایدار اجتماعی و وضعیت کارکرد فضاهای عمومی شهری از روش پیمایشی (پرسشنامه) استفاده شده است. اطلاعات اولیه از منابع کتابخانه‌ای مرتبط با متغیرهای پژوهش (عملکرد فضاهای عمومی شهری و توسعهٔ پایدار اجتماعی) جمع‌آوری شد. داده‌ها به وسیلهٔ

پرسشنامهٔ محقق‌ساخته به صورت طیف لیکرت (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیار کم) به‌دست آمده و تکمیل آن به صورت مطالعات میدانی (نمونه‌گیری تصادفی ساده) انجام گرفته است. جامعهٔ آماری مورد مطالعه در این تحقیق شهر بوکان با جمعیت ۱۷۱۷۷۳ نفر (بر اساس آمار سال ۱۳۹۰) است. حجم نمونه در سطح ۹۵ درصد اطمینان با فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ خانوار مشخص شد که جهت کاهش خطاهای آماری، تعداد نمونه‌ها به ۴۰۰ نفر افزایش پیدا کرد. برای بررسی میزان پایایی گویه‌های تحقیق از آمارهٔ آلفای کرونباخ با دامنهٔ ۰ تا ۱ استفاده شده است که میزان آن ۰/۸۲α بوده که مؤید روایی و پایایی پرسش‌نامه است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی تحلیل‌های آماری از قبیل فراوانی، درصدها، حداکثر و حداقل، میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. در بخش استنباطی، با کمک تحلیل‌های آماری مورد نیاز از ضریب همبستگی پیرسون و همبستگی جزیی استفاده شد. همچنین کلیهٔ تحلیل‌های آماری تحقیق با کمک نرم‌افزار SPSS ۲۲ انجام شده است.

متغیرهای این پژوهش شامل کارکرد فضاهای عمومی شهری (شاخص‌های عملکردی، زیباشناسی و بصری، محیط زیست و کالبدی) به عنوان متغیر مستقل و توسعهٔ پایدار اجتماعی (شاخص‌های توانمندسازی، مشارکت اجتماعی، حمایت از شبکه‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی) به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای جانبی (جنسیت، تأهل، سن، خانواده، شغل و تحصیلات) است (جدول‌های ۳ و۴). در ادامه تعاریف مفهومی و عملیاتی هریک از شاخص‌های فضاهای عمومی به صورت زیر آمده است:

کارکردی: شاخص کارکردی فضای عمومی شهری از یک سو دربرگیرندهٔ تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده‌ها و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری و از سوی دیگر، دربرگیرندهٔ عملکردهای دیگری چون تفریح غیر فعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون و مانند آن است تا ضامن سرزندگی و غنای تجربهٔ فضایی شهر شوند.

زیباشناسی و بصری: این شاخص به دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری می‌پردازد.

محیط‌زیست: شاخص محیط زیستی کیفیت طراحی شهری در بعد خرد آن دربرگیرندهٔ مقولاتی چون تنظیم اقلیم خرد فضاهای شهری (چون آفتاب، جریان باد، سایه‌گیری) است و

در بعد کلان، دغدغهٔ پایداری زیست‌محیطی، کیفیت تعادل مبتنی بر بوم‌شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از محیط طبیعی را دارد (گلکار، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۴).

کالبدی: شاخص کالبدی فضاهای عمومی شهری با نحوهٔ دسترسی، موقعیت، آسایش فیزیولوژیکی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت مشخص می‌شود. علاوه بر این، وجود عناصر طبیعی در فضاهای عمومی که سبب افزایش هیجان و سرزندگی محیط و دعوت عابران به فضاها و فراهم‌کردن امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر مردم می‌شود نیز حائز اهمیت است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳).

جدول ۳. تعاریف عملیاتی شاخص‌های متغیر کارکرد فضاهای عمومی شهری

ابعاد	شاخص	مؤلفه
عملکردی	راحتی و آسایش	امکان پیاده‌روی، نشستن و قدم‌زدن، رفع نیاز روزمرهٔ شهروندان، کاربری مختلط و سازگار جهت آسایش و راحتی، آسایش روانی و احساس لذت.
	دسترسی	تسهیل دسترسی پیاده و سواره (ارتباط‌پذیری)، دسترسی به خدمات شهری، ارتباط با سیستم حمل ونقل شهری، رعایت سلسله‌مراتب شهری در دسترسی به فضاهای همجوار.
	فضاهای کانونی	وجود مکان‌هایی برای ورزش و ورزشگاه، بهره‌گیری از فضاهای چندمنظوره، وجود مکان‌های سرگرمی، تفریح و ... در فضاها، قرارگیری در مسیر فعالیت‌های روزمره.
	فعالیت‌های جاذب	آمیختگی فضاها با مسیرهای اصلی (خیابان)، قرارگیری فضاها در مسیرهای پررفت و آمد شهر، مکانی برای ایجاد و انجام هنرهای خیابانی، همه‌شمول بودن فضاها.
زیباشناختی	جذابیت و زیبایی	تنوع در کیفیت زیبایی فضاها، نحوهٔ نورپردازی شبانه در فضاها، استفاده از رنگ‌ها در زیباسازی فضاها، وجود فضای سه‌بعدی.
	پویایی و سرزندگی	خاطره‌انگیزی در زیبایی فضاها، فعالیت‌پذیری در فضاها انعطاف‌پذیربودن فضاها، ایجاد تنوع و خلق شادی و نشاط.
زیست محیطی	نظافت و پاکیزگی	تقلیل آلودگی‌ها (دود، صوتی و ...)، پاکیزگی مسیر منتهی به فضاها، رعایت بهداشت در فضاها، وجود نیروهای خدماتی جهت نظافت فضاها.
	شرایط آب وهوایی	کیفیت فضاها در زمینهٔ سایه، آفتاب، برف و باران، وجود آسایش اقلیمی فضاها، خرد اقلیم، آفتاب‌گیری، سایه‌اندازی، پوشش گیاهی، فضای سبز مناسب جهت کاهش آلودگی‌ها.
کالبدی	تداوم و خوانایی	تصویر روشن از فضاها در ذهن هر ناظر، وجود عناصر راهنما در فضاها، وجود تناسب بصری در فضاها، قرارگیری فضاها در استخوان‌بندی شهر، توجه به مقیاس انسانی.
	مبلمان مناسب	تناسب مبلمان شهری با شرایط سنی و جنسی، نماسازی زیبا و جذاب در فضاها، چیدمان مناسب مبلمان شهری در فضاها، سنگفرش‌های مناسب در فضاها.
	امنیت و ایمنی	امنیت در کاربری‌های شبانه فضاها، اصول طراحی فضا برای معلولان و ...، ارتقای امنیت اجتماعی فضاها، بررسی ایمنی معابر در فضاها.

جدول ۴. تعریف عملیاتی شاخص‌های متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی

	شاخص	مؤلفه‌ها
توسعه پایدار اجتماعی	توانمندسازی	حمایت از گروه‌های اجتماعی، پاسخ به نیازهای شهروندان، کمک برای حل مسائل و مشکلات، اعطای اختیارات به افراد محلی در فرایند سیاست‌گذاری.
	مشارکت اجتماعی	ایجاد، حمایت و تقویت فعالیت‌ها و سازمان‌های محلی، افزایش مشارکت ساکنان در توسعهٔ شهری، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی.
	حمایت از شبکه‌ها	انسجام شبکه‌های اجتماعی، توسعهٔ شبکه‌های بین‌سازمانی در محدودهٔ تعریف‌شده، برنامه آگاهی‌بخشی همسایگی خوب (مقاصد و شیوه‌ها).
	و ارزش‌ها هنجارها	توسعه و ترویج عادتی که براساس آن همدیگر را بپذیرند، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، قانون‌گرایی در سطح شهر و محلات، پایبندی به نظم سنتی.
	اعتماد اجتماعی	واگذاری برخی از تصمیم‌گیری‌ها، افزایش اعتماد ساکنان با یکدیگر، آوردن گروه‌های مخالف در کنار یکدیگر.
	امنیت اجتماعی	پیش‌گیری از وقوع جرائم در سطح شهری و محلی، افزایش حس ایمنی در ساکنان شهر، فراهم‌کردن مدارک و دلایل قابل رؤیت از شاخص‌های امنیت.
	تعلق اجتماعی	حس هویت و تعلق به اجتماع و شهر، روایی و دارابودن قدرت تحمل در برابر تغییرات، هماهنگی و پیوستگی فرهنگ محلی و فضاهای عمومی.
	تعهد اجتماعی	وجود رابطه و تعهد بین افراد و گذشته تاریخی آن‌ها، افزایش و ارتقای هویت مکان، تمایل به همکاری، همیاری و همدلی متقابل بین افراد.

یافته‌های تحقیق

مشخصات نمونهٔ مورد بررسی: از مجموع ۴۰۰ نفر آزمودنی در پژوهش حاضر، ۷۵٪ مرد و ۲۵٪ زن هستند. ۶۱٪ از آزمودنی‌ها متأهل و ۳۹٪ مجردند. ۵۲/۵٪ بین ۱۸ تا ۳۰ سال، ۴۱/۵٪ بین ۳۰ تا ۵۰ سال و ۶٪ بالای ۵۰ سال سن دارند. ۵۶٪ از افراد نمونه سرپرست خانواده و ۴۵٪ عضو خانواده بودند. همچنین سطح تحصیلات ۹/۳٪ آزمودنی‌ها ابتدایی، ۲۱٪ دیپلم، ۲۶/۳٪ کاردانی، ۳۷/۸٪ کارشناسی، ۴٪ کارشناسی ارشد و ۱/۸٪ دکترا است. ۶/۵٪ بیکار، ۶/۸٪ خانه‌دار، ۲٪ دانش‌آموز، ۲۰/۳٪ دانشجو، ۸/۵٪ کارمند و ۵۶٪ از نمونه‌ها شغل آزاد دارند.

سیمای آماری متغیر توسعهٔ فضاهای عمومی: نتایج سنجش متغیرهای فضاهای عمومی از طریق محاسبهٔ جمع نمرات مؤلفه‌های مربوطه در پرسشنامه حاصل شده است. از این رو، نمرهٔ متغیر کارکرد فضاهای عمومی شهری، ۱۳/۳٪ زیاد، ۶۹٪ متوسط، ۱۵/۳٪ کم و ۲/۵٪ خیلی کم مشخص شده است. همچنین نمرهٔ شاخص عملکردی ۱٪ بسیار زیاد، ۳۰/۸٪ زیاد، ۵۴٪ متوسط، ۱۲٪ کم و ۲/۳٪ خیلی کم تعیین شده است. نمرهٔ شاخص زیبایی و بصری ۳٪ بسیار زیاد، ۱۳/۳٪ زیاد، ۶۶٪ متوسط، ۱۴/۲٪ کم و ۳/۵٪ خیلی کم مشخص شده است. نمرهٔ شاخص محیط زیست ۱۱/۸٪ زیاد، ۶۳/۷٪ متوسط، ۱۹٪ کم و ۵/۵٪ خیلی کم مشخص شده

است. نمرهٔ شاخص کالبدی ۱٪ بسیار زیاد، ۱۵/۸٪ زیاد، ۵۷/۸٪ متوسط، ۲۰/۵٪ کم و ۵٪ خیلی کم مشخص شده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی سنجش متغیرهای کارکرد فضاهای عمومی در شهر بوکان

متغیرها		عملکردی		زیبایی بصری		زیست محیطی		کالبدی		فضاهای عمومی شهری	
حجم فراوانی		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
گویه	بسیار زیاد	۴	۱	۱۲	۳	–	–	۴	۱	–	–
	زیاد	۱۲۳	۳۰/۸	۵۳	۱۳/۳	۴۷	۱۱/۸	۶۳	۱۵/۸	۵۳	۱۳/۳
	متوسط	۲۱۶	۵۴	۲۶۴	۶۶	۲۵۵	۶۳/۷	۲۳۱	۵۷/۸	۲۷۶	۶۹
	کم	۴۸	۱۲	۵۷	۱۴/۲	۷۶	۱۹	۸۲	۲۰/۵	۶۱	۱۵/۳
	بسیار کم	۹	۲/۳	۱۴	۳/۵	۲۲	۵/۵	۲۰	۵	۱۰	۲/۵
	جمع کل	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰

مأخذ: پرسش‌نامهٔ پیمایشی نگارندگان

همچنین نتایج حاصل از میانگین شاخص‌های متغیر کارکرد فضاهای عمومی شهری بر اساس طیف پنج سطحی لیکرت (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیارکم)، بیانگر این است که میانگین شاخص عملکردی در بین دامنهٔ ۲۱ تا ۶۱، ۴۸/۰۳ تعیین شده و سطح آن متوسط بوده است. میانگین شاخص زیبایی بصری در بین دامنهٔ ۱۰ تا ۳۹، ۲۳/۹۸، سطح متوسط، شاخص زیست‌محیطی در بین دامنهٔ ۸ تا ۳۶، با میانگین ۲۳/۵۱، دارای سطح متوسط و شاخص کالبدی نیز با میانگین ۳۷/۹۰، در بین دامنهٔ ۱۶ تا ۶۵، متوسط ارزیابی بوده است. همچنین سطح متغیر فضاهای عمومی با میانگین ۱۳۳ در بین دامنهٔ ۲۰ تا ۶۰، متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۶. آماره‌های توصیفی متغیر کارکرد فضاهای عمومی شهری

متغیر و شاخص‌ها		آماره‌های توصیفی						
		تعداد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شاخص‌ها	عملکردی	۴۰۰	۴۸/۰۳	۵۰	۵۳	۹/۹۶	۲۱	۶۹
	زیبایی بصری		۲۳/۹۸	۲۴	۲۴	۵/۶۱	۱۰	۳۹
	زیست‌محیطی		۲۳/۵۱	۲۴	۲۴	۵/۳۳	۸	۳۶
	کالبدی		۳۷/۹۰	۳۹	۳۴	۸/۸۶	۱۶	۶۵
متغیر	فضاهای عمومی شهری		۱۳۳	۱۳۹	۱۴۹	۲۵/۸۶	۶۰	۲۰۰

مأخذ: پرسش‌نامهٔ پیمایشی نگارندگان

سیمای آماری متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی: برای سنجش نمرهٔ متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی از طریق محاسبهٔ جمع نمرات مؤلفه‌های مربوطه در پرسشنامه اقدام شده است. از این

رو نمرهٔ متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی، ۱/۵٪ زیاد، ۵۷/۸٪ متوسط، ۴۱٪ کم مشخص شده است. سایر فراوانی شاخص‌های متغیر فضاهای عمومی در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. توزیع فراوانی سنجش متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی شهر بوکان

	متغیر و شاخص‌ها	گویه ها									
		بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
شاخص	توانمندسازی اجتماعی	–	–	۸	۲	۱۴۴	۳۶	۲۲۹	۵۷/۳	۱۹	۴/۸
	مشارکت اجتماعی	–	–	۳۶	۹	۱۱۱	۲۷/۸	۱۷۵	۴۳/۸	۷۸	۱۹/۵
	شبکه‌های اجتماعی	۶	۱/۵	۲۶	۶/۵	۲۲۱	۵۵/۵	۱۱۹	۲۹/۸	۲۸	۷
	هنجارهای اجتماعی	–	–	۱۷	۴/۳	۱۸۴	۴۶	۱۷۷	۴۴/۳	۲۲	۵/۵
	اعتماد اجتماعی	–	–	۳۹	۹/۸	۱۹۳	۴۸/۳	۱۵۶	۳۹	۱۲	۳
	امنیت اجتماعی	۶	۱/۵	۴۷	۱۱/۸	۱۹۶	۴۹	۹۴	۲۳/۵	۵۷	۱۴/۲
	تعلق اجتماعی	۸	۲	۸۰	۲۰	۱۶۰	۴۰	۱۲۹	۳۲/۳	۲۳	۵/۸
	تعهد اجتماعی	۶	۱/۵	۴۷	۱۱/۸	۲۲۶	۵۶/۵	۸۹	۲۲/۳	۳۲	۸
متغیر	توسعهٔ پایدار اجتماعی	–	–	۶	۱/۵	۲۳۰	۵۷/۵	۱۶۴	۴۱	–	–

مأخذ: پرسش‌نامهٔ پیمایشی نگارندگان

همچنین نتایج میانگین شاخص‌های متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی بر اساس طیف لیکرت پنج سطحی بیانگر این است که میانگین شاخص‌های توانمندسازی ۹/۹۰ و مشارکت اجتماعی ۶/۷۸ بوده و سطح آن با توجه به دامنهٔ آن‌ها، کم تعیین شده است. میانگین شاخص‌های شبکه‌های اجتماعی ۷/۸۶، هنجارهای اجتماعی ۱۰/۵۵، اعتماد اجتماعی ۷/۸۵، امنیت اجتماعی ۷/۸۶، تعلق اجتماعی ۸/۴۳ و تعهد اجتماعی ۸/۴۳ بوده و سطح آن با توجه به دامنه، متوسط ارزیابی شده است. همچنین سطح متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی با میانگین ۶۰/۶۷، بین دامنهٔ ۴۳ تا ۱۰۸ کم، تعیین شده است.

جدول ۸. آماره‌های توصیفی شاخص‌های متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی

	متغیر و شاخص‌ها	آماره‌های توصیفی						
		تعداد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شاخص‌ها	توانمندسازی اجتماعی	۴۰۰	۹/۹۰	۱۰	۱۰	۲/۲۰	۵	۱۸
	مشارکت اجتماعی		۶/۷۸	۷	۷	۲/۳۰	۳	۱۲
	شبکه‌های اجتماعی		۷/۸۶	۸	۸	۱/۹۸	۳	۱۴
	هنجارهای اجتماعی		۱۰/۵۵	۱۱	۱۰	۲/۲۳	۵	۱۷
	اعتماد اجتماعی		۷/۸۵	۸	۸	۱/۷۸	۴	۱۲
	امنیت اجتماعی		۷/۸۶	۸	۹	۲/۵۲	۳	۱۴
	تعلق اجتماعی		۸/۴۳	۸	۷	۲/۴۸	۳	۱۵
	تعهد اجتماعی		۸/۴۳	۹	۹	۲/۲۲	۳	۱۵
متغیر	توسعهٔ پایدار اجتماعی		۶۰/۶۷	۶۸	۷۰	۹/۳۲	۴۳	۱۰۸

مأخذ: محاسبات آماری نگارندگان

تحلیل مطلوبیت متغیرهای پژوهش: تجزیه و تحلیل آزمون‌های استنباطی به منظور نشان‌دادن مطلوبیت کارکرد فضاهای عمومی (شاخص‌های عملکردی، زیباشناسی و بصری، محیط زیست) کالبدی و توسعهٔ پایدار اجتماعی (شاخص‌های توانمندسازی، مشارکت، حمایت از شبکه‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، اعتماد، امنیت، تعلق و تعهد اجتماعی) است. به این منظور برای تعمیم نتایج فوق به جامعهٔ آماری از آزمون T-Test تک‌نمونه‌ای استفاده شد. نتایج نشان داد که وضعیت کارکرد فضاهای عمومی شهر بوکان مطلوبیت متوسط و متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی، با مطلوبیت کم همراه است.

جدول ۹. نتایج آزمون T-Test تک‌نمونه‌ای در خصوص مطلوبیت کارکرد فضاهای عمومی و توسعهٔ پایدار اجتماعی

متغیرها	ضریب t	درجهٔ آزادی	میزان خطا (sig)	تفاوت میانگین	سطح معناداری ۹۵٪		ارزش آزمون (T)	میزان مطلوبیت
					حداقل	حداکثر		
کارکرد فضاهای عمومی شهری	۰/۳۳۱	۳۹۹	۰/۷۴۱	۰/۴۲۷	-۲/۱۱	۲/۹۷	۱۳۳	متوسط
توسعهٔ پایدار اجتماعی	۱۴/۱۶	۳۹۹	۰/۰۰۰	۶/۶۰	۵/۶۹	۷/۵۲	۶۱	کم

مأخذ: محاسبات آماری نگارندگان

تحلیل همبستگی پیرسون بین متغیرها: تحلیل و بررسی روابط بین متغیرها گام بعدی پژوهش حاضر است که در این مرحله بدان پرداخته می‌شود. به منظور بررسی رابطهٔ متغیر کارکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی از آزمون پیرسون استفاده شده است (جدول ۱۰). با توجه به جدول مورد نظر مشخص شد که میزان p-value بین دو متغیر کارکرد فضاهای عمومی و توسعهٔ پایدار اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ بوده، همچنین شدت همبستگی ۰/۲۸۷ بوده است؛ بنابراین بین متغیر کارکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵٪ با شدت همبستگی "ضعیف" رابطهٔ معنادار وجود دارد. رابطهٔ سایر متغیرهای فضاهای عمومی شهری شامل متغیر عملکردی، زیبایی بصری، زیست‌محیطی و کالبدی با توسعهٔ پایدار اجتماعی صورت زیر آمده است:

میزان p-value بین متغیر عملکردی فضاهای عمومی و توسعهٔ پایدار اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ بوده و شدت همبستگی ۰/۲۸۷ بوده است؛ بنابراین بین متغیر عملکردی فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵٪ با شدت همبستگی "ضعیف" رابطهٔ معنادار وجود دارد.

میزان p-value بین متغیر زیبایی بصری فضاهای عمومی و توسعهٔ پایدار اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ بوده و شدت همبستگی ۰/۲۰۲ بوده است؛ بنابراین بین متغیر زیبایی و بصری فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵٪ با شدت همبستگی"ضعیف" رابطهٔ معنادار وجود دارد.

همچنین میزان p-value بین متغیر محیط زیست فضاهای عمومی و توسعهٔ پایدار اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ بوده و میزان شدت ۰/۱۳۸ است؛ بنابراین بین متغیر زیست‌محیطی فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵٪ با شدت همبستگی"خیلی ضعیف" رابطهٔ معنادار وجود دارد.

در نهایت میزان p-value بین متغیر کالبدی فضاهای عمومی و توسعهٔ پایدار اجتماعی کمتر از ۰/۰۵ بوده و میزان شدت ۰/۲۹۷ است؛ بنابراین بین متغیر کالبدی فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵٪ با شدت همبستگی "ضعیف" رابطهٔ معنادار وجود دارد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون پیرسون بین متغیر کارکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی

متغیرها	آماره‌های پیرسون	توسعهٔ پایدار اجتماعی	رابطه
عملکردی	شدت همبستگی	۰/۲۹۳**	وجود ارتباط
	P value	۰/۰۰۰	
زیبایی بصری	شدت همبستگی	۰/۲۰۲**	وجود ارتباط
	P value	۰/۰۰۰	
زیست‌محیطی	شدت همبستگی	۰/۱۳۸**	وجود ارتباط
	P value	۰/۰۰۶	
کالبدی	شدت همبستگی	۰/۲۹۷**	وجود ارتباط
	P value	۰/۰۰۰	
فضای عمومی شهری	شدت همبستگی	۰/۲۸۷**	وجود ارتباط
	P value	۰/۰۰۰	

مأخذ: محاسبات آماری نگارندگان

همچنین ضریب تعیین دو متغیر کارکرد فضاهای عمومی و توسعهٔ پایدار اجتماعی برابر ۰/۰۸۲ (R2=0/082) است، یا به عبارتی ۸/۲٪ تغییرات بین دو متغیر مشترک است (۸/۲٪ تغییرات میزان توسعهٔ پایدار اجتماعی به وسیلهٔ متغیر کارکرد فضاهای عمومی توجیه می‌شود). با توجه به نحوهٔ پراکندگی نقاط در نمودار پراکنش ۳ با بالارفتن نمرات متغیر کارکرد فضاهای عمومی، نمرات متغیر توسعهٔ پایدار اجتماعی افزایش پیدا می‌کند که از وجود رابطهٔ مستقیم بین این دو متغیر حکایت دارد.

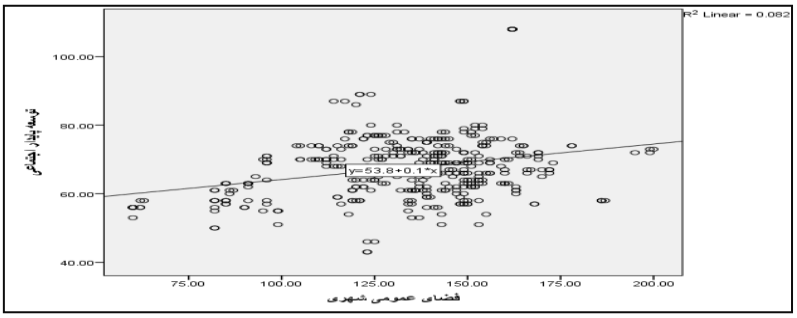

شکل ۳. نمودار پراکنش ارتباط متغیر کارکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی

تحلیل همبستگی جزیی متغیرها با دخالت متغیرهای جانبی: به منظور بررسی رابطهٔ متغیر عملکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی با دخالت متغیرهای جانبی از آزمون

همبستگی جزیی استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۱۱ آمده است. نتایج نشان داد که متغیر جانبی جنسیت، شدت همبستگی رابطهٔ متغیر کارکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی را به مقدار جزیی کاهش داده است. متغیرهای تأهل و سن به ترتیب، شدت همبستگی را کاهش و افزایش داده‌اند؛ دو متغیر خانواده و شغل شدت همبستگی را به صورت جزیی کاهش داده‌اند؛ در نهایت متغیر جانبی تحصیلات در شدت همبستگی تغییری ایجاد نکرده است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون همبستگی جزیی بین متغیر کارکرد فضاهای عمومی با توسعهٔ پایدار اجتماعی

متغیر مستقل	متغیرهای جانبی	همبستگی جزیی	متغیر وابسته: توسعهٔ پایدار اجتماعی	رابطه
فضاهای عمومی شهری	جنسیت	شدت همبستگی	۰/۲۸۱**	کاهش جزیی
		P value	۰/۰۰۰	
	تأهل	شدت همبستگی	۰/۲۷۹**	کاهش جزیی
		P value	۰/۰۰۰	
	سن	شدت همبستگی	۰/۲۹۰**	افزایش جزیی
		P value	۰/۰۰۰	
	خانواده	شدت همبستگی	۰/۲۴۸**	کاهش جزیی
		P value	۰/۰۰۰	
	شغل	شدت همبستگی	۰/۲۸۶**	کاهش جزیی
		P value	۰/۰۰۰	
	تحصیلات	شدت همبستگی	۰/۲۸۷**	وجود ارتباط
		P value	۰/۰۰۰	

مأخذ: محاسبات آماری نگارندگان

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در شهرهای امروز، بیش از هر چیز موجب حیات شهری و زندگی سالم می‌شود، توجه به ابعاد اجتماع در فضاهای عمومی شهری است. لذا وجود قابلیت‌ها و کیفیت‌های محیطی برای درک و دریافت فضا و در نتیجهٔ آن مکث و حضور افراد در فضاهای عمومی شهری، زمینه‌ساز دیدن و دیده‌شدن در سطوح پایین و در سطحی فراتر، توسعهٔ پایدار اجتماعی می‌شود. از این رو مقالهٔ حاضر نیز با این هدف طراحی شده که در ابتدا عملکرد فضاهای عمومی شهر بوکان را سنجش کرده و در ادامه مشخص کند که آیا کارکرد این فضاها توانسته است زمینهٔ توسعهٔ پایدار اجتماعی را فراهم کند یا خیر؟ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد

که در مجموع نمرهٔ رضایت از متغیرهای کارکرد فضاهای عمومی (شاخص‌های عملکردی، زیبایی و بصری، محیط‌زیست و کالبدی) در شهر بوکان، متوسط رو به پایین (متوسط و کم) تعیین شده است.

این نتایج با مطالعهٔ تورل و همکاران (۲۰۰۷) همسوست که نشان دادند مهم‌ترین مشکلات فضاهای عمومی شهری که باعث شده رضایت در حد نسبتاً پایینی باشد، به ترتیب نبود امکان پیاده‌روی، آلودگی، ایمنی، نارسایی تعمیرات و نگهداری، ترافیک و مشکلات اجتماعی و فرهنگی بوده است. از این رو با توجه به اهمیت شاخص‌های هریک از متغیرها همانند شاخص‌های کارکردی فضاهای عمومی شهری (تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده‌ها و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری، تفریح غیر فعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون و ...)؛ مؤلفهٔ‌های زیباشناختی در فضاهای عمومی شهری (که با دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سر و کار دارد) و در نهایت مؤلفه‌های زیست‌محیطی و کالبدی کیفیت فضاهای شهری (که در بعد خرد دربرگیرندهٔ مقولاتی چون تنظیم اقلیم خرد فضاهای شهری (چون آفتاب، جریان باد، سایه‌گیری) و در بعد کلان، دغدغهٔ پایداری زیست‌محیطی را داشته و با کیفیت تعادل مبتنی بر بوم‌شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از محیط طبیعی ارتباط دارد) باید در شهر بوکان به این کارکردها توجه شود تا شاهد ارتقای بهتر کیفیت فضاهای عمومی بود.

نتایج نشان داد که بین متغیر کارکردی فضاهای عمومی (شاخص‌های عملکردی، زیبایی و بصری، محیط‌زیست و کالبدی) با توسعهٔ پایدار اجتماعی (شاخص‌های توانمندسازی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی) رابطهٔ معناداری وجود دارد. این نتایج هماهنگ با مطالعات فتحی (۱۳۹۱)، جاجرمی و ترشیزیان (۱۳۹۲)، محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، کیانی و سالاری سردری (۱۳۹۰)، لینچ (۱۹۷۲)، کارمونا (۲۰۰۳)، مردمی و همکاران (۱۳۹۰)، جیکوبز (۱۹۹۳) و راستبین و همکاران (۱۳۹۱) قرار دارد. در کلیهٔ پژوهش‌های فوق، نتایج نشان‌دهندهٔ این است که فضاهای شهری، به عنوان عرصه‌های اجتماعی، بستر انجام تعاملات اجتماعی‌اند. در این فضاها شهروندان می‌توانند خارج از عرصه‌های خصوصی و نیمه‌خصوصی، با کسانی که نمی‌شناسند، در استفاده از یک فضا سهیم شده و در آن فعالیت کنند. این فضاها با توجه به خاصیت عمومی و اجتماعی که دارند، می‌توانند به ساخت و تولید

مناسبات اجتماعی کمک کرده و در نهایت باعث توسعهٔ پایدار اجتماعی شوند. از این رو بحث عملکرد فضاهای عمومی در جهت ارتقای توسعهٔ پایدار اجتماعی در برنامه‌های توسعهٔ شهری اهمیت بسیاری دارد.

در نهایت می‌توان گفت که وجود اجتماعات جمعیتی، با وجود تراکم فیزیکی موجب ارتقای سطح زندگی اجتماعی نمی‌شود. توسعهٔ کالبدی فضای شهری بدون توجه به نیازهای اجتماعی انسان‌ها که در اکثر شهرسازی‌ها و شکل‌دهی فضاهای شهری مشاهده می‌شود، به فضایی تبدیل خواهد شد که در آن تراکم اجتماعی شکل نخواهد گرفت. چنانچه به بافت‌های سکونتی قدیمی و شکل آنها توجه شود می‌بینیم که روابط اجتماعی گرمی در آن فضاها حاکم است و مجاورت اجتماعی در آن فضا معنا و مفهوم دارد. درک متقابل انسانی و همچنین پاسخگویی به نیازهای انسانی، مستلزم توجه به الگوها و الزامات فرهنگی اجتماعاتی است که از آن فضاها بهره‌مند خواهند شد. مشخص است که فضاهای شهری، خود تولیدکنندهٔ اجتماع و اجتماع، تولیدکنندهٔ فضاهای شهری‌اند. چنانچه در تولید یک فضای شهری، بی‌سازمانی فضایی حاکم باشد و بی‌نظمی اجتماعی از آن تولید شود، واگرایی مجاورت مکانی و مجاورت اجتماعی شکل خواهد گرفت و کیفیت و مطلوبیت زندگی آن فضاهای عمومی در پیچ و خم دیالکتیک این دو از بین خواهد رفت؛ در این وضعیت ساکنان احساس می‌کنند زندگی آنها مطلوبیت لازم را ندارد. در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آنچه بیش از همه در حضور و تعامل اجتماعی افراد در فضاهای عمومی نقش دارد، ایجاد و تقویت کارکرد این فضاهاست که می‌تواند به ایجاد فرصت‌های مشارکت، توانمندسازی، مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، تعلق اجتماعی و تعهد اجتماعی بینجامد، زمینهٔ ارتقای حس تعلق به مکان را فراهم آورد و در نهایت به توسعهٔ پایدار اجتماعی در شهر منجر شود.

در پایان مهم‌ترین پیشنهادهای کاربردی برگرفته از نتایج پژوهش به صورت زیر اشاره می‌شوند:

- با توجه به نتایج که از مطلوبیت کم توسعهٔ پایدار اجتماعی در فضاهای عمومی شهر بوکان حکایت دارد، می‌توان پیشنهاد کرد اگر خواهان یک جامعهٔ بانشاط و پویا، با تعاملات سازنده و مشارکت مردم در امور شهری باشیم، باید به خلق فضاهای عمومی چندمنظوره (ایستگاه‌ها و پایانه‌های حمل و نقل، مسیرهای پیاده، مرکز تجاری محله، فضاهای تاریخی و گردشگری) و مستعد فعالیت‌های مختلف اجتماعی روی آوریم.

– ایجاد فضا و مکان‌های مناسب برای ایجاد تجمعات خودجوش مردم. این فضاها با تجمع مردم می‌تواند سرمایهٔ اجتماعی لازم برای مشارکت اجتماعی پایدار را فراهم آورد.

– ایجاد فضاهای عملکردی، مشاغل نزدیک و فرصت‌های شغلی جدید (فروشگاه‌های بزرگ روز بازارها و بازارهای فصلی). همهٔ اینها فضاهایی‌اند که در محیط باز کوچک تا بزرگ در میدان‌ها و فضاهای خطی ایجاد می‌شوند. این فضاها، باعث حضور اجتماعی هر چه بیشتر مردم در شهر می‌شوند.

– در نهایت می‌توان گفت به منظور ارتقای سطح توسعهٔ پایدار اجتماعی باید در فضاهای عمومی و منظر شهری با نیازهای روانی و به‌خصوص الگوهای رفتاری افراد ساکن شهر بوکان انطباق فضایی صورت گیرد.

منابع

امینی، الهام؛ برومند، مریم؛ روح‌افزا، فاطمه (۱۳۹۳). ارزیابی عوامل مؤثر برافزایش کیفیت فضاهای عمومی در شهرهای جدید نمونهٔ موردی: شهر جدید پرند. *فصلنامهٔ آمایش محیط*. دورهٔ ۷. شمارهٔ ۲۶. صص ۸۹ – ۱۱۰.

پورمحمدی، محمدرضا؛ کوشانه، روشن (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل فضاهای عمومی شهری با استفاده از مدل تاپسیس (مطالعه موردی: شهر تبریز). *فصلنامهٔ مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*. سال پنجم. شمارهٔ هفدهم. صص ۵۲–۷۳

جاجرمی، کاظم؛ ترشیزیان، پریوش (۱۳۹۲). نوسازی فضاهای عمومی شهری با تاکید بر ساختار مدیریتی (نمونهٔ موردی: کلانشهر تهران: منطقه پنج شهرداری تهران). *فصلنامهٔ جغرافیا*. دورهٔ ۱۱. شمارهٔ ۳۸. صص ۱۷۵ – ۱۹۹.

حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸). جامعهٔ مدنی و حیات شهری. نشریه هنرهای زیبا. شمارهٔ ۷. صص۳۱–۲۱.

حسام، فرحناز (۱۳۸۰). حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر، روابط اجتماعی و فضاهای عمومی شهر. *ماهنامه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*. سال سوم. شمارهٔ ۳۰. صص ۱۶–۳۰.

دانش پور، سیدعبدالهادی؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. *فصلنامهٔ باغ نظر*. دورهٔ۴. شمارهٔ ۷. صص ۱۹–۲۸ .

راستبین، ساجد؛ جعفری، یاسر؛ دارم، یاسمن (۱۳۹۱). رابطهٔ همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی (نمونهٔ موردی : جلفای اصفهان). *فصلنامهٔ باغ نظر*. شمارهٔ ۲۱. سال نهم. صص ۳۵–۴۶.

رفیعیان، مجتبی؛ خدائی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *فصلنامهٔ راهبرد*. سال هجدهم. شمارهٔ ۵۳. صص۲۲۷– ۲۴۸.

رفیعیان، مجتبی؛ عظیمی، مریم؛ مقدم، حامد (۱۳۹۱). ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی (نمونهٔ موردی: شهر قدیم لار). *فصلنامهٔ آمایش محیط*. دورهٔ ۵. شمارهٔ ۱۶. صص ۳۳ – ۴۹.

رهنمایی محمد تقی، اشرفی یوسف (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعهٔ مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. *فصلنامهٔ جغرافیا*. سال پنجم. شمارهٔ ۱۴ و ۱۵. صص ۲۳–۴۵.

صالحی، حسین (۱۳۸۰). *وظایف شهرداری‌ها در توسعهٔ فضاهای عمومی. ماهنامه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، سال سوم. شمارهٔ ۳۰. صص ۲۱–۲۵.

غفاری. غلامرضا؛ امیدی، رضا (۱۳۸۸). *کیفیت زندگی شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی*. نشر شیرازه.

فتحی، سروش (۱۳۹۱). تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار. *مجله مطالعات توسعهٔ اجتماعی ایران*. سال چهارم. شمارهٔ چهارم. صص ۴۷–۶۴.

کارمونا، متیو؛ هیت، تیم. اک، تنر و تیسدل، استیون (۲۰۰۳). *مکان‌های عمومی، فضاهای شهری*. ترجمهٔ قرایی. چاپ اول. انتشارات دانشگاه هنر تهران.

کوروش، گلکار (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. *فصلنامهٔ صفه*. دورهٔ۱۱. شمارهٔ۳۲. صص ۳۸ – ۶۵.

کیانی، اکبر؛ سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۹۰). بررسی و ارزیابی اولویت‌های منظر فضاهای عمومی شهر عسلویه با استفاده از مدل ANP. *فصلنامهٔ باغ نظر*. دورهٔ ۸. شمارهٔ ۱۸. صص۲۵–۳۸.

محمدی، محمود؛ عظیمی، مریم؛ مقدم، حامد؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۱). فضاهای عمومی شهری، تحقق تعاملات اجتماعی در بافت‌های تاریخی (نمونهٔ موردی: شهر قدیم لار). *دو فصلنامهٔ علمی- پژوهشی مرمت آثار و بافت‌های تاریخی*. فرهنگی. سال دوم. شمارهٔ چهارم. صص ۱۵–۲۸.

مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). *فضاهای عمومی و خصوصی شهر*. چاپ اول. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران. تهران.

مردمی، کریم؛ قمری، حسام (۱۳۹۰). الزامات معماری تأثیرگذار در اجتماع‌پذیری فضاهای مترو. *فصلنامهٔ مدیریت شهری*. شمارهٔ ۲۷. صص۳۱–۴۰.

Abada, T., Hou, F., & Ram, B. (2007). *Racially mixed neighborhoods, perceived neighborhood social cohesion, and adolescent health in Canada. Social Science & Medicine*, 65(10), 2004–17.

Azami, M., Mirzaee, E., and Mohammadi. A. (2015). *Recognition of urban unsustainability in Iran (case study: Sanandaj City)*. Cities. 49. 159–168.

Delianur Nasution, A., Zahrah. W. (2015). *The Space is Not Ours, the Life of Public Open Space in Gated Community in Medan, Indonesia*. Social and Behavioral Sciences 202. 144 – 151.

Garcia-Ramon, M. D., Ortiz, A., Prats, M. (2004). *Urban planning, gender and the use of public space in a peripherial neighbourhood of Barcelona*, Cities. Vol. 21. No. 3. 215–223.

Glasson, J., Wood, G. (2009). *Urban regeneration and impact assessment for social sustainability*. Impact Assessment and Project Appraisal. Vol 11(4): 283.

Jacobs, J. (1993). *Tod und Lebengrober Amerikanischer Stadte*. Verlage uhlstein GmbH. Frankfur.

Jalaladdini, S., Oktay, D. (2012). Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns, *Social and Behavioral Sciences*. Vol 35. 664-674.

James, P., Tzoulas, K., and Adams, M. D., Barber, A., Box, J., Breuste, J., Elmqvist, T., et al. (2009). Towards an integrated understanding of green space in the European built environment. *Urban Forestry & Urban Greening*. Vol 8(2). 65–75.

Kurniaty, R. (2014). Local Elites and Public Space Sustainability: the local elite roles in the presence and usage of public space in Malang Raya, Indonesia. *Environmental Sciences*. Vol 20. 506 -515.

Lipton, S. (2003). *The value of public space: How high quality parks and public spaces create economic, social and environmental value*. www.cabespace.org.uk.

Luederitz, C., Lang, D. J., and Von Wehrden, H. (2013). A systematic review of guiding principles for sustainable urban neighborhood development. *Landscape and Urban Planning*. Vol 118. 40–52.

Lynch, K. (1972). *The openness of open space. Arts of environment*. Aidan Ellis.

Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. Reutledge. 240.

Mak, M., Clinton, J. P. (2011). *Social Sustainability: A Comparison of Case Studies in UK, USA and Australia*. Poster presented at the 17th Pacific Rim Real Estate Society Conference, Gold Coast.

Murphy, K. (2012). The Social Pillar of Sustainable Development: A Literature Review and Framework for Policy Analysis. *Sustainability: Science. Practice and Policy* 8. Vol 8 (1). 15-29.

Perovic, S., Kurtovic Folic, N. (2012). Visual Perception of Public Open Spaces in Niksic, *Social and Behavioral Sciences*. Vol. 68. 921-933.

Turel, H. S., Yigit, E. M., and Altug, Ipek. (2007). Evaluation of elderly people's requirements in public open spaces: A case study in Bornova District (Izmir, Turkey). *Building and Environment*. Vol 42. 2035–2045.

UN-Habitat. (2012). *Sustainable urban energy: A sourcebook for Asia*. Nairobi, Kenya: United Nations Human Settlements Programme.

Vallance, S., Perkins, H. C., and Dixon, J. E. (2011). *What is social sustainability? A clarification of concepts*. Geoforum. Vol 42(3). 342–348.

Walzer, M. (1986). Pleasures and costs of urbanity. *Dissent*. Vol. 33 (4).470–475.

Wan Ismail, W. A., Said, I. (2015). Integrating the Community in Urban Design and Planning of Public Spaces: A Review in Malaysian Cities. *Social and Behavioral Sciences*. Vol 168. 357-364.

Woolley, H. (2003). *Urban open spaces*. London: Spon Press.

Zamfir, C., Stanescu, S. (2007). *Enciclopedia dezvoltarii sociale*. Iași: Editura Polirom